

تداوم و تغییر در سیاست داخلی و خارجی ترکمنستان در دوره قربان قلی بردی محمداف

دکتر فرهاد عطایی*

دانشیار گروه روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد کاظم شجاعی

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۵ - تاریخ تصویب ۸۹/۳/۱۵)

چکیده

ترکمنستان با اقتصادی رانتی و وابسته به صادرات گاز طبیعی پس از استقلال از اتحاد شوروی تحت رهبری صفرمراد نیازاف به صورت کشوری غیرمردم‌سالار اداره می‌شد. در صحنه خارجی نیز سیاستی مبتنی بر عدم مشارکت در هرگونه اتحادیه و پیمان بین‌المللی داشت. این مقاله سیاست داخلی و خارجی ترکمنستان را در دوره ریاست جمهوری جانشین او، بردی محمداف بررسی می‌کند. ابتدا به ماهیت رانتی اقتصاد ترکمنستان می‌پردازد و اثر آن را بر سیاست‌های داخلی و خارجی بررسی می‌کند و سپس نشان می‌دهد که در دوره ریاست جمهوری بردی محمداف سیاست داخلی آن کشور به طور کلی تداوم یافته، اما در سیاست خارجی آن تغییر ایجاد شده است که به شکل مستقیم بر روابط ترکمنستان با منطقه و جهان اثر گذاشته است.

کلید واژه‌ها

سیاست داخلی، سیاست خارجی، ترکمنستان، صفرمراد نیازاف، قربان قلی بردی محمداف

* Email: atai53@yahoo.com

مقدمه

بر اساس نظریه رانتیرسم، دولت رانتیر دولتی است که اتکای خود را نه بر ارزش افزود تولید شده به وسیله شهروندان خود که بر درآمدها یا رانتی که از راه‌های دیگر به دست می‌آید، مانند نفت و گاز قرار دهد. علاوه بر این، دولتی را که به صورت منظم از مقادیر قابل توجهی از رانت اقتصادی خارجی برخوردار است دولت رانتیر نامیده‌اند (Doglus Yates, 1996, p.10). لوچیانی و ببلاری دولت رانتیر را دولتی می‌دانند که بخش عمده‌ای از درآمدهایش را (بیش از ۴۰ درصد) از طریق نفت یا سایر منابع خارجی به دست بیاورد و هزینه‌های آن بخش بزرگی از تولید ناخالص ملی^۱ را به خود اختصاص دهد (Kutu, 2002, p. 4).

ویژگی دیگر دولت‌های رانتیر آن است که با دراختیار داشتن منابع عظیم مالی به دست آمده از رانت می‌تواند بدون نیاز به بهره‌مندی از درآمدهای مالیاتی اقدام به اجرای پروژه‌های عمومی بزرگ کند. در نتیجه بهره‌مندی از رانت و عدم وابستگی به درآمدهای حاصل از وصول مالیات از شهروندان، دولت‌های رانتیر به طور کلی به دولت‌های خودکامه تبدیل می‌شوند. بدین معنا که دولت در جایگاهی قرار می‌گیرد که هیچکدام از طبقات اجتماعی - اقتصادی توانایی اثر گذاری بر آن را ندارند. در چنین وضعی دولت خودکامه قادر به اعمال سیاست‌هایی خواهد بود که تنها در جهت افزایش قدرتش عمل می‌کند. البته در بسیاری موارد این سیاست‌ها شامل منافع برای شهروندان نیز خواهد بود. دولت‌های رانتیر به واسطه استقلال مالی از جامعه این قدرت را دارند که با بکارگیری سیاست‌های رفاهی - حمایتی در جامعه مانند ارائه آب و برق رایگان یا ارزان، تحصیلات رایگان، پرداخت مستمری به همه شهروندان بر محبوبیت خود در بین طبقات اجتماعی بیفزایند و از این راه بقای خود را تضمین کنند. اغلب دولت‌های رانتیر را با توجه به وضعیت اقتصادیشان می‌توان در شمار دولت‌های خودکامه به حساب آورد.

بدین ترتیب اینگونه دولت‌ها به دلیل بی‌نیازی دریافت مالیات از مردم، تصمیم‌هایی می‌گیرند که مستقل از منافع سایر طبقات جامعه است. طبیعی است که بسیاری از این تصمیم‌ها در جهت حفظ قدرت دولت و عدم توسعه نهادهای سیاسی رقیب خواهد بود. دولت‌های رانتیر تلاش می‌کنند با ارائه پاداش‌های مالی به ملت برای خود مشروعیت کسب

1. Gross Domestic Production (GDP)

کنند. در نتیجه، زیربناهای مورد نیاز برای توسعه اقتصادی پایدار در این جوامع فراهم نمی‌شود و در بسیاری موارد، با وجود درآمد سرانه سرشار، میزان بیکاری بالا است. علاوه بر این، دولت‌های رانتیر علاقمندند تا از راه هزینه کردن درآمدهای رانتی و اجرای پروژه‌های عمومی خیلی بزرگ و هزینه‌بر احترام و وجهه خود را بین مردم خود و نیز دولت‌های دیگر جهان افزایش دهند. کشورهای حاشیه خلیج فارس نمونه‌ای از این دولت‌ها هستند. از سایر نتایج حاصل از رانت می‌توان به افزایش شدید واردات در برابر کاهش صادرات، توسعه نامتوازن بخش خدمات نسبت به بخش کشاورزی و صنعت نیز اشاره کرد. با توجه به این شاخص‌ها و بررسی شرایط دولت ترکمنستان می‌توان به نتایج جالب توجهی در این زمینه دست یافت (ترکمنستان، ۱۳۸۶، فصل اول).

بررسی عناصر رانتیریسیم در دولت ترکمنستان

همانگونه که اشاره شد، نظریه پردازان علوم سیاسی معیارهای اقتصادی-سیاسی را برای تعریف یک دولت رانتیر مورد توجه قرار داده‌اند که تعداد قابل توجهی از آنها را می‌توان در رویکرد دولت ترکمنستان مشاهده کرد. سیاست‌های رفاهی دولت ترکمنستان، در کنار فضای بسته سیاسی و برخورد شدید دولت با هرگونه فعالیت سیاسی خارج از چارچوب تعریف شده از سوی حکومت و نیز رویکرد سیاست خارجی این کشور در رابطه با کشورهای منطقه و جهان که به بهترین شکل در بکارگرفتن سیاست بی‌طرفی دائم نمایان شده است، همه این مدعا را ثابت می‌کنند. الگوی صادرات و واردات کشورها شاخص مناسبی برای ارزیابی ساختار اقتصادی آنها است. در جدول زیر می‌توان الگوی صادرات و واردات ترکمنستان را مشاهده کرد:

صادرات		واردات	
۱	گاز طبیعی*	۵۷ درصد	ماشین آلات
۲	نفت خام	۲۶ درصد	مواد غذایی
۳	پنبه	۳ درصد	

Source: Economist Intelligence Unit (2005)

همان‌گونه که در جدول بالا می‌بینیم، بیش از ۸۰ درصد صادرات ترکمنستان را نفت و گاز طبیعی تشکیل می‌دهد و تمام درآمد حاصل از آن نصیب دولت می‌شود. به علت عدم شفافیت در ترکمنستان دسترسی به آمار دقیق در مورد سهم درآمدهای رانتهی از کل درآمدهای دولت غیر ممکن است ولی برخی از کارشناسان این سهم را تا بیش از ۷۰ درصد تخمین زده‌اند. در سال‌های اخیر و به علت خشکسالی، تولیدات پنبه ترکمنستان کاهش بسیاری داشته و در مقابل با افزایش قیمت جهانی نفت و گاز تلاش بسیاری برای افزایش صادرات این محصولات انجام گرفته است، به شکلی که صادرات گاز بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ سالانه ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یافت (Levine, 2009, pp. 35-39).

مورد جالب توجه دیگر بهره‌مندی از درآمد سرانه مطلوب همزمان با میزان بسیار بالای بیکاری است. ترکمنستان با درآمد سرانه‌ای معادل ۱۳۴۰ دلار پس از قزاقستان در رتبه دوم در بین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز قرار دارد، در حالی که ترکمنستان با میزان بیکاری ۶۰ درصد، بالاترین میزان بیکاری را در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دارد و در جهان نیز از این نظر در رتبه پنجم قرار گرفته است. این در حالی است که میزان بیکاری در سایر کشورهای منطقه زیر ۲۰ درصد است (IMF, 2008, pp. 73-74).

این آمارها حکایت از آن دارد که دولت ترکمنستان با وجود بهره‌مندی از منابع سرشار درآمدهای حاصل از فروش گاز طبیعی، همانند همه دولت‌های رانتهی دیگر، از این منابع به شکل شایسته‌ای در اقتصاد خود بهره نبرده است. دولت ترکمنستان مانند اغلب دیگر دولت‌های رانتهی به جای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی، پروژه‌های صنعتی و اشتغال‌زای بلند مدت تلاش کرده تا از این درآمدها برای کسب حمایت و راضی نگاه داشتن شهروندان خود بهره برد. بر اساس قانون اساسی ترکمنستان، ارائه آب، گاز، برق و نان و نمک رایگان به مردم کشور تضمین شده است.

شبهت دیگر دولت ترکمنستان به دولت‌های رانتهی اجرای پروژه‌های عمومی بسیار هزینه‌بر مانند ساخت هتل‌ها، ساختمان‌ها و فرودگاه‌های بسیار مجلل و پرهزینه، ساخت بزرگترین فواره جهان در پارکی در عشق آباد و سایر پروژه‌های پرهزینه و بدون بهره‌وری اقتصادی است. این‌گونه اقدام‌های دولت بیش از آن که در توسعه اقتصادی کشور نقش داشته باشد به دنبال ارتقای مشروعیت دولت در بین مردم است. به نظر می‌رسد با توجه به آنچه تا کنون

آمده می‌توان این ادعا را تأیید کرد که ترکمنستان دولتی رانتهی است و بنابراین می‌توان فرایندهای روی داده در این کشور را با توجه به ویژگی‌های دولت‌های رانتهی بررسی کرد.

بردی محمداف تداوم یا تغییر

در پی مرگ ناگهانی نیازاف در سال ۲۰۰۶، فرایند جانشینی صفر مراد نیازاف با کمترین تشنج و مشکل انجام شد و قربان قلی بردی محمداف به‌راحتی بر جای او تکیه زد. چگونگی جانشینی رییس جمهور ترکمنستان را نیز می‌توان شاهد دیگری برای رانتهیسم در ترکمنستان به‌شمار آورد. در چنین دولت‌هایی به‌طور کلی فرایند جانشینی یک رهبر بدون تحولی مهم در جامعه روی می‌دهد. فرایند تغییر رهبران کشورهای نفت‌خیز جنوب خلیج فارس نمونه‌ای از این دست است. دستگاه سیاسی ترکمنستان نیز پس از مرگ ناگهانی نیازاف، با برکناری و دستگیری جانشین قانونی او بدون هیچ‌گونه تشنجی، انتخاباتی نمایشی برگزار کرده و قدرت را به بردی محمداف واگذار کرد.

تغییر در سیاست داخلی ترکمنستان

بردی محمداف که با طرح شعارهایی مردم‌سالارانه و با وعده فراهم آوردن فضای بازتر برای فعالیت‌های سیاسی و مدنی روی کار آمد، از ایجاد تغییرات کلی خودداری کرده و ساختار سیاسی - اجتماعی ترکمنستان همچنان بسته و اقتدارگرایانه باقی مانده است. با این حال بردی محمداف تغییراتی قابل توجه را در برخی زمینه‌ها انجام داده است که بسیاری از آنها در مخالفت آشکار با اصول اعتقادی و سیاست‌های نیازاف قرار دارد. حذف تصویر نیازاف از اسکناس‌های ترکمنستان، حذف لقب ترکمنباشی، سخن گفتن از به تاریخ پیوستن اصل بی‌طرفی دائم ترکمنستان که یکی از شعارهای همیشگی نیازاف بود، تغییر سرود ملی، برکناری تعداد زیادی از وزیرهای قدیمی دوران نیازاف همه شاهدی بر این امر است. با این حال، هنوز نمی‌توان به روشنی از وقوع تغییرات کلی در ساختار سیاسی ترکمنستان سخن گفت.

تغییرات رخ داده در دوران بردی محمداف را باید در دو عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی مورد تحلیل قرار داد. تغییرات رخ داده در عرصه داخلی ترکمنستان بیش از هر چیز با هدف پاک کردن آثار حکومت نیازاف صورت گرفته است.

بردی محمداف تلاش کرده تا از طریق انجام فعالیت‌هایی مانند برگزاری مراسم تقدیر از او در سالروز تولدش جایگاهی مشابه نیازاف برای خود ایجاد کند. با این حال در ترکمنستان هنوز شاخص‌های حقوق بشر، فعالیت‌های مدنی، انتخابات آزاد، سهولت در استفاده از اینترنت، و حضور مخالفان سیاسی در جایگاه قدرت تغییر چندانی نسبت به دوران نیازاف نداشته است و همچنان بازداشت فعالان سیاسی و ایجاد محدودیت برای آنان ادامه دارد. در مجموع می‌توان گفت تغییرات اخیر در عرصه سیاست داخلی ترکمنستان بیش از هر چیز تغییراتی سطحی و در جهت تحکیم قدرت بردی محمداف بوده است.

تغییرهای ایجاد شده و لغو برخی قوانین دوران نیازاف را نباید حرکتی در جریان بهبود وضعیت سیاسی ترکمنستان به‌شمار آورد. هنوز هم بر اساس یکی از این قوانین که شورای مردم در سال ۲۰۰۳ تصویب کرد، فعالیت‌هایی که از نظر اقتصادی و سیاسی به کشور لطمه می‌زند و برای ایجاد شبهه در مورد سیاست‌های داخلی و خارجی رییس جمهور ترکمنستان تلاش کند با مجازات‌های سنگینی که تا حبس ابد قابل افزایش است، روبرو است.

در دوران پس از جانشینی، دولت همچنان در تلاش است تا نظارت مرکزی خود را افزایش دهد. مجلس و قوه قضاییه همچنان تحت کنترل دولت است، مقام‌های سیاسی کنترل نهادهای امنیتی را در اختیار دارند. اجازه فعالیت به نهادهای سیاسی یا نامزدهای رقیب رییس جمهوری داده نمی‌شود. حزب دموکراتیک ترکمنستان تنها حزب رسمی و مجاز است. در کشوری که ۸۹ درصد جمعیت آن را مسلمانان اهل تسنن تشکیل می‌دهند، قانون اساسی حق فعالیت آزاد همه مذاهب را به رسمیت شناخته است. با این حال، اگرچه دولت ترکمنستان دولتی مذهبی نیست، هرگونه فعالیت و گردهمایی مذهبی، به‌خصوص از سوی اقلیت‌ها مورد پایش حساس دولت قرار می‌گیرد. توجهی که بیش از آنکه به‌خاطر دغدغه‌های مذهبی دولتمردان باشد، حاصل هراس دولت از قدرت بالقوه خطرناک مذهب برای گرد هم آوردن مخالفان است (Hanchok, 2003, p. 84).

عدم امکان دسترسی آزاد به اطلاعات، به‌ویژه در مورد بهره‌برداری از اینترنت، یکی از مسائلی بود که در دوران نیازآف محدودیت‌های زیادی را بر سر راه توسعه جامعه مدنی ترکمنستان ایجاد می‌کرد. وعده‌های بردی محمدآف برای بهبود این شرایط، نشانه‌ای از اهمیت این موضوع در نظر مردم ترکمنستان بود. با این حال، پس از روی کار آمدن رییس جمهور جدید نیز هیچ نشانی از بهبود اوضاع بهره‌مندی از اینترنت به چشم نمی‌خورد. علاوه بر این، به گزارش هیئت‌های ناظران بین‌المللی حقوق بشر روی کار آمدن بردی محمدآف منجر به ایجاد تغییراتی در وضعیت حقوق بشر در ترکمنستان نشده است و دولت جدید همه قوانین سخت‌گیرانه دوران نیازآف را اعمال می‌کند (Eurasianet, 2010, p. 1).

در جنبه اقتصادی، دولت با بکارگرفتن رویکردی احتیاطی امیدوار است تا به پشتوانه درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز طبیعی بر ناکارآمدی اقتصادی خود و فساد گسترده سرپوش بگذارد و از این راه اصلاحات اقتصادی را اجرایی کند. با این حال، عدم وجود زیرساخت‌های صنعتی و اقتصادی و نیز نگاه اشتباه اقتصادی حاکم بر سیاست‌های دولت مبنی بر خودکفایی که در پافشاری بر ادامه کاشت محصولات ناکارآمد مانند گندم و پنبه نمایان است، موانع زیادی را پیش روی این اصلاحات قرار داده است. دولت جدید همچنان همان خدمات رفاهی دوران نیازآف را به مردم ارائه می‌دهد و تغییری در سیاست‌های رفاهی دولت ایجاد نشده است. بخش خصوصی همچنان نقش بی‌اهمیتی دارد و اقتصاد همچنان دولتی است.

بنابراین با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی دوران پس از نیازآف می‌توان گفت سیاست‌های دولت ترکمنستان در بعد داخلی همچنان خواسته یا ناخواسته از مدل دولت رانتیر پیروی می‌کند و با جابجایی در راس هرم قدرت، همانند سایر موارد مشابه، تغییری در ماهیت رانتی دولت ترکمنستان ایجاد نشده است. از یک سو دولت سیاست محدودکردن فعالیت و آزادی‌های سیاسی نیازآف را ادامه می‌دهد و از سوی دیگر همچنان سیاست‌های حمایتی و رفاهی را در سایه افزایش درآمد حاصل از صدور گاز پی می‌گیرد.

تغییر در سیاست خارجی ترکمنستان

یکی از عرصه‌های اصلی ظهور رانتیریزم، سیاست خارجی دولت‌های رانتیر است. بررسی سیاست خارجی دولت‌های رانتیر حاکی از آن است که این‌گونه کشورها را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول شامل دولت‌هایی است که علاوه بر برخورداری از منابع گسترده رانتی در سایر جنبه‌ها مانند مسائل جمعیتی، تاریخی، ایدئولوژیک یا نظامی دارای قدرت قابل توجهی هستند. این دسته از دولت‌ها تلاش می‌کنند به پشتوانه درآمدهای رانتی قدرت خود را در بین همسایگان، منطقه یا حتی در سطح جهان گسترش دهند.

در حقیقت، برخورداری از رانت، همانند عرصه داخلی، در عرصه سیاست خارجی نیز دولت‌ها را به بکارگیری سیاست‌هایی بلند پروازانه و تا حدودی غیر واقعی پیش می‌برد. این دولت‌ها از این منبع قدرت خود به‌عنوان اهرمی برای تحت فشار قرار دادن سایر دولت‌ها استفاده می‌کنند. اقدام‌های اخیر روسیه در قالب تهدید و اقدام به قطع جریان گاز اروپا بهترین نمونه از چنین رویکردی است. آنها تلاش می‌کنند به پشتیبانی بهره‌مندی از منابع عظیم طبیعی خود، استفاده از نیازمندی سایر کشورها به استفاده از منابع طبیعی تحت مالکیت آنها و اهمیت خود در ساختار اقتصادی - سیاسی جهان، قدرت و نفوذ سیاسی خود را در منطقه یا جهان توسعه دهند. تعقیب سیاست‌های بلند پروازانه نظامی از سوی لیبی و عراق در زمان صدام حسین نمونه‌هایی از این امر است.

درآمدهای رانتی دولت رانتیر را نه تنها از منابع مالیاتی مالیات دهندگان داخلی که از جذب سرمایه‌گذاری، شرکت‌ها و کشورهای خارجی نیز تا میزان زیادی بی‌نیاز می‌کند و به آنها امکان می‌دهد تا از استقلال عملی قابل توجه در تعامل با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برخوردار شوند. دولت‌های رانتیر نیازی به تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، که بیشتر از سوی کشورهای غربی صورت می‌گیرد و کشورهای دریافت‌کننده را به بکارگیری سیاست‌هایی همسو با ارزش‌های جهان غرب مانند دموکراسی، رعایت حقوق بشر و سایر موارد وادار می‌کند، نخواهند داشت.

در سوی دیگر، گروهی دیگر از دولت‌های رانتیر قرار دارند که بهره‌مندی از درآمدهای رانتی و برخورداری از منابع بزرگ طبیعی مهمترین یا به بیان بهتر تنها منبع قدرت آنها است.

این دولت‌ها که توانایی تاریخی، فرهنگی، ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی کافی را برای تحت-تأثیر قرار دادن سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ندارند، رویکرد متفاوتی را نسبت به دولت‌های دسته اول بکار می‌گیرند. این کشورها به‌جای آن‌که از درآمدهای رانتی برای گسترش نفوذ خود به‌صورتی تهاجمی و فعال استفاده کنند؛ تلاش می‌کنند تا امنیت و منابع خود را حفظ کنند.

در حقیقت، این دولت‌ها موضعی تدافعی بکار می‌گیرند و تلاش دارند تا از راه گره‌زدن امنیت و ثبات بازار انرژی و منابع مشتریان خود به پایداری و ثبات حکومتشان بتوانند امنیت خویش را تأمین کنند. سیاست خارجی کشورهای کوچک نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس مانند کویت، قطر و بحرین که تلاش می‌کنند تا از راه بستن قراردادهای پیمان‌های امنیتی با قدرت‌های بزرگ امنیت خود را حفظ کنند، از همین نوع است.

برای بررسی سیاست خارجی ترکمنستان باید آن را به دو دوره مجزا تقسیم کرد. دوران نخست دوران ریاست جمهوری نیازاف، و دوران دوم بردی محمداف. سیاست خارجی ترکمنستان در دوران نیازاف را نمی‌توان جزو هیچ‌کدام از دو دسته‌بندی بالا قرار داد. بررسی سیاست خارجی ترکمنستان در دوران پس از استقلال از آن حکایت می‌کند که این کشور نه مانند دولت‌های رانتیری مانند لیبی، عربستان سعودی و عراق داعیه گسترش نفوذ خود در منطقه و جهان و به‌عهده گرفتن رهبری آسیای مرکزی را در سر می‌پروراند و نه چون کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس با انعقاد قراردادهای پرشمار امنیتی خود را به تحت‌الحمايه قدرت‌های بزرگ تبدیل کرد.

ترکمنستان بلافاصله پس از فروپاشی شوروی، مانند سایر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفت و آنها تلاش کردند تا با حضور در عرصه سیاست خارجی ترکمنستان منافع برای خود کسب کنند. در این شرایط در حالی که روسیه در تلاش بود تا از راه ایجاد سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بستن قراردادهای امنیتی بلند مدت و تلاش برای حفظ مرزبان‌های روسیه در کشورهای به‌جا مانده از اتحاد شوروی اقتدار گذشته خود را در منطقه بازیابد.

دولت‌های دیگر مانند دولت آمریکا، دولت‌های اروپایی و نیز دولت‌های منطقه مانند ایران، عربستان، چین، هندوستان، پاکستان تلاش کردند با جلب نظر کشورهای منطقه نقش و منافع خود را در منطقه افزایش دهند (Johnson, 2005).

در این دوران برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، مانند ازبکستان و ارمنستان، تلاش کردند تا با پیوندهای خود با روسیه را مستحکم کرده و از این راه امنیت و اقتصاد خود را تضمین کنند، یا، مانند آذربایجان، با یافتن شرکای جدید و بیشتر غربی، هم خود را از سلطه روسیه دور ساخته و هم کمبودهای حاصل از جدایی از مسکو را جبران کنند. این جریان در کشورهایی که از ذخایر طبیعی نیز برخوردار بودند بیش از دیگران مشخص بود. به عنوان مثال، آذربایجان با دعوت شرکت‌های غربی و بستن قراردادهای بلند مدت نفتی در این راه گام برداشت (Pomfert, 2003, p. 75) یا کشوری مانند قرقیزستان به واسطه بکارگیری سیاست‌هایی خود را تا میزان زیادی تحت حمایت غرب قرار داد. با این حال دولت ترکمنستان با بکارگرفتن رویکردی منحصر به فرد تلاش کرد تا حد ممکن خود را از هرگونه اتحاد منطقه‌ای و بین‌المللی خارج نگاه دارد و از بکارگرفتن هر سیاست خارجی چالش‌برانگیزی با همسایگانش خودداری کند.

نیازاف با به‌کارگرفتن سیاست بی‌طرفی دائم تلاش کرد تا با جدا نگاه داشتن خود از اتحادها و ائتلاف‌های تنش‌زا از هر اقدامی که امکان داشت جریان صادرات گاز ترکمنستان را به‌خطر بیاندازد دوری کند. محصور بودن ترکمنستان در خشکی و نیز نیازمند بودن صادرات گاز به احداث خطوط لوله منجر به وابستگی شدید درآمدهای ترکمنستان به روابط آن با کشورهای همسایه خود شد و ترکمنستان تلاش کرد سیاست خارجی خود را به‌شکلی تنظیم کند که هیچ‌گونه تشنجی را با همسایگانش ایجاد نکند. نیازاف حتی تلاش کرد تا با کنار گذاشتن اختلاف‌های قومی و مرزی تاریخی با همسایگانش تا حد امکان خود را از تنش‌های منطقه‌ای جدا نگاه دارد (تقوی اصل، ۱۳۸۴، ص ۹۸).

روابط خوب ترکمنستان با ایران، روسیه و سایر کشورهای منطقه در کنار به‌کار گرفتن سیاست‌های احتیاط آمیز در ایجاد رابطه با غرب و آمریکا همه از آن حکایت می‌کند که نیازاف از ایجاد هرگونه تشنجی در منطقه دوری می‌کرد. در نتیجه ترکمنستان با بکار گرفتن استراتژی انزوایی تلاش کرد تا از راه جدا نگاه داشتن خود از صحنه عمومی نظام بین‌الملل هم خود را از

درگیری‌های موجود در این عرصه دور نگاه دارد و هم اینکه از به نمایش درآمدن ساختار بسته سیاسی کشورش که ممکن بود منجر به ایجاد فشارهای بین‌المللی برای تعدیل آن شود دوری کند. در نهایت می‌توان گفت در دوران نیازاف دولت ترکمنستان با محور قرار دادن بهره‌برداری از درآمدهای حاصل از فروش گاز طبیعی و به‌کار گرفتن سیاست بی‌طرفی دائم، تلاش کرد مسائل اقتصادی را از مسائل سیاسی جدا کرده و فقط به دنبال توسعه صادرات گاز طبیعی خود باشد. در این دوران دولت ترکمنستان را می‌توان یک دولت رانتیر منزوی در نظر گرفت که به جای اینکه منابع خود را به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی خارجی و داخلی خود قرار دهد، سیاست داخلی و به‌ویژه خارجی خود را در خدمت منافع گازی خود قرار داده بود.

تغییرهای ایجاد شده در سیاست خارجی ترکمنستان

اکنون پس از گذشت سه سال از روی کار آمدن دولت جدید در ترکمنستان، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در سیاست خارجی ترکمنستان مشاهده می‌شود. اما پرسش این است که آیا این تغییرات را می‌توان در قالب رانتیرسم بررسی کرد و آیا سیاست خارجی ترکمنستان از بهره‌مندی این کشور از منابع گاز طبیعی متأثر است یا خیر؟

در سیاست خارجی دولت ترکمنستان می‌توان به مشارکت فعال‌تر بردی محمداف در صحنه منطقه و جهان اشاره کرد. حذف اصل بی‌طرفی دائم ترکمنستان از قانون اساسی این کشور و حتی حذف آن از سرود ملی کشور، شرکت در نشست ناتو و دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا، شرکت فعال در نشست سازمان پیمان شانگهای (SCO) و ایجاد بحران در روابط گازی با ایران نشانه‌هایی از تمایل ترکمنستان به ایفای نقشی جدید در سیاست منطقه‌ای و جهانی است.

در این میان دو مورد بیشترین ارتباط را به بحث این مقاله دارد. نخست حذف بی‌طرفی دائم از قانون اساسی ترکمنستان و دوم ورود به بحران در روابط گازی با ایران. ترکمنستان با حذف بی‌طرفی دائم از قانون اساسی خود پیامی به همه کشورهای جهان و منطقه فرستاد و آمادگی خود را برای حضور جدی در عرصه روابط منطقه‌ای و بین‌المللی اعلام کرد، آمادگی که

با ورود به بحران در روابط گازی با ایران و قطع صادرات خود در سردترین روزهای زمستان سال ۲۰۰۸ جلوه‌ای عملی به خود گرفت.

این موضوع با در نظر گرفتن روابط فوق العاده ایران و ترکمنستان در دوران نیازاف اهمیت بیشتری می‌یابد. در جریان این اختلاف‌ها ترکمنستان به خاطر آنچه قیمت پایین گاز صادراتی به ایران عنوان می‌شد جریان گاز صادراتی به ایران را قطع کرد. این عمل علاقه این کشور برای ورود به عرصه جهانی را نشان می‌داد. ترکمنستان با این کار حرکت خود به سمت ورود به دسته نخست دولت‌های رانتیر را آغاز کرد. ترکمنستان در این جریان همانند روسیه از گاز خود به عنوان اهرمی برای تحت فشار قرار دادن ایران و کسب امتیازهایی به نفع خود استفاده کرد.

دولت ترکمنستان تلاش می‌کند با توجه به ارزش منابع خود، جایگاه ژئوپلیتیک و علاقه قدرت‌های جهانی به حضور در خاک ترکمنستان در کنار بهره‌مندی از گاز عناصر قدرت‌سازی برای خود ایجاد کند. دولت ترکمنستان از راه فرستادن نشانه‌هایی مثبت به کشورهای بزرگ غرب و حتی روسیه آمادگی خود برای ورود به عرصه جهانی و شرکت در مناسبات بین‌المللی را اعلام می‌کند.

ترکمنستان امیدوار است تا با حفظ ساختار حاکمیتی خود با کشورهای بزرگ جهان وارد تعامل شده و خود را از کشوری منزوی و جدا افتاده در آسیای مرکزی به مرکز توجه دنیا در آسیای مرکزی تبدیل کند. بستن قرارداد بلند مدت گازی با گازپروم و نیز آغاز بحث‌هایی در مورد پذیرش حضور نیروهای غیرنظامی ناتو برای پشتیبانی نیروهای ائتلاف حاضر در افغانستان در کنار ورود به بحرانی با ایران و تحت فشار قراردادن این کشور همگی نشانه‌هایی از ایجاد این رویکرد جدید در سیاست خارجی ترکمنستان است. ترکمنستان در حال تغییر از یک کشور منزوی غیر مهم به کشوری فعال در صحنه منطقه و جهان و مورد توجه قدرت‌های خارجی است.

نتیجه

در این مقاله تلاش شد که تحولات رخ داده در سیاست خارجی ترکمنستان و نقش بهره‌مندی این کشور از منابع گاز طبیعی را مورد بررسی قرار دهیم. ابتدا به مفروض نخست خود مبنی بر

رانتیر بودن دولت ترکمنستان پرداختیم و سپس با بررسی اوضاع ترکمنستان در دوران نیازاف و دوران محمدداف تغییرات ایجاد شده در عرصه داخلی و خارجی ترکمنستان را ارزیابی و آنها را در پرتو تغییر دیدگاه دولت جدید این کشور در بهره‌برداری از منابع گاز خود تحلیل کردیم. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که دولت ترکمنستان با وجود ایجاد تغییراتی در صحنه داخلی همچنان به اصول اصلی حکومت نیازاف پایبند است و دولتی اقتدارگرا و وابسته به رانت باقی خواهد ماند.

در سیاست خارجی ترکمنستان تغییر مهمی رخ داده است. دولت بردی محمداف در پی آن است تا با این تغییر در رویکرد سیاست خارجی خود، از منابع گاز خود به‌عنوان اهرمی برای ورود و حضور در عرصه سیاست منطقه و جهان بهره‌برد و از این پس تلاش خواهد کرد تا به‌عنوان کشوری فعال در این عرصه حضور داشته باشد.

منابع و ماخذ

الف- فارسی

۱. تقوی اصل، سید عطا (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲. کتاب سبز ترکمنستان (۱۳۸۶)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب- منابع انگلیسی

1. Doglus Yates (1996), **the Rentier State in Africa: Oil Rent Dependency and Nationalism in the Republic of Gabon**, Trenton. NJ: African World Press
2. **Economist Intelligence Unit** (2005).
3. Johnson, Erica, Erich Mac Glinchey (2005), "Foreign Aid and ICT Policy in Central Asia", Paper Presented at the Annual Meeting of the American Political Science Association.
4. Hanckok, Cathrin, J (2003), "Escaping Russia, Looking to China: Turkmenistan Pins Hopes on China's Thirst for Natural Gas", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 4, No. 3.
5. Kuru, Ahmet T. (2002), *Between the State and Cultural Zones: Nation Building in Turkmenistan*, **Central Asia Survey**, Vol. 21, No. 1.
6. Levine, Richard M (2009), "The Mineral Industries of Europe and Central Eurasia", **Mineral Year Book**.

7. Pomfert, Richard (February 2003), Central Asia Since 1991: The Experience of the New Independent States, Paper Presented in an Informal Seminar at the Organization for Economic Cooperation and Development on 19th.
8. **Turkmenistan** (2009), www.eurasianet.org/node/61587, (accessed on: 10/9/2009).
9. **IMF** (2008), "World Economic Outlook", Financial Stress, Downturns, and Recoveries, New York.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی